

هفت‌سوره

دو هفته‌نامه فرهنگی، هنری، تحلیلی سوره هنر | شماره ۱۲ | مرداد ۱۳۹۹



حقوق بشر اسلام و گرامت ذاتی انسان در اسلام

محبوبه عابدی، مجید وزیری:
اصول مشترک حقوق بشر غربی و حقوق بشر اسلامی
علی محمد فلاح‌زاده، سید طه موسوی:
حقوق بشر اسلامی در مقایسه با حقوق بشر غربی

مریم شهبازی زاده:
حقوق بشر از دیدگاه اسلام
اکبر طلاکی طرقي، محمد صالح عطار:
الزامات و راهکارهای ایجاد نهاد ملی حقوق بشر در ایران

تهیه شده در:

روابط عمومی حوزه هنری انقلاب اسلامی

آیت الله عباسعلی زنجانی - محمد مهدی توکلی

حقوق بشر اسلامی و کرامت ذاتی انسان در اسلام | ۳

محجوبه عابدی، مجید وزیری

اصول مشترک حقوق بشر غربی و حقوق بشر اسلامی از منظر فقه بشر دوستانه با نگاهی به آیات اعتقادی قرآن | ۱۲

مریم شهبازی زاده

حقوق بشر از دیدگاه اسلام | ۱۶

اکبر طلاکی طرقي، محمد صالح عطار

الزامات و راهکارهای ایجاد نهاد ملی حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران | ۲۰

علی محمد فلاح زاده، سید طه موسوی

حقوق بشر اسلامی در مقایسه با حقوق بشر غربی: جهان شمولی یا نسبی گرایی؟ | ۲۳

قاسم حسنی، فرامرز صفری

بررسی و تحلیل دلایل تهاجم و شکست منافقین در عملیات فروغ جاویدان و دستاوردهای عملیات مرصاد | ۲۶

مجموعه کتابهایی که در زمینه عملیات مرصاد منتشر شده اند | ۳۳

تمبر یادبود حقوق بشر اسلامی و
کرامت انسانی در تاریخ ۸۸/۱۱/۱۳
چاپ و توزیع شد



آیت الله عباسعلی زنجانی - محمد مهدی توکلی:

حقوق بشر اسلام و کرامت ذاتی انسان در اسلام



در قرن حاضر افزایش نیازهای جوامع دنیای نوین و عدم تناسب میان توزیع ثروت و توسعه یافتگی و رفاه و بهداشت عمومی سبب افزایش منازعاتی شده که رفته رفته جایگزین جنگ‌های مذهبی، نزاع‌های نژادی و قومی قرون گذشته می‌شود. دو عامل تکامل حقوق موضوعه و تنش‌ها و نزاع‌های فزاینده ناشی از تراکم منافع ملل، موجب اهمیت یافتن مباحث حقوق بشر شده است.

”

در دین اسلام ساختار حقوق و تکالیف هر فرد بر محوریت تعالی انسان شکل گرفته است.

“

به رغم نظر برخی صاحب نظران حقوق بشر را نمی توان محصول تجربه طولانی و تاریخی بشر دانست؛ بلکه حقوق بشر حقوقی است فطری و فراگیر و در تمام ادوار و دیار و مطلق از هر گونه تقلید نسبت به زمان و مکان و زبان و ملیت و مذهب خاص. باید قدمت آن را به درازای حیات بشر بدانیم. از سویی وضع قوانین به وسیله حکومت ها با نگاهی گاه یک سونگرانه و در جهت منافع ملتی خاص یا برای دستیابی به اهدافی خاص می تواند موجب در خطر افتادن حقوق طبیعی بشر و مغفول واقع شدن کرامت ذاتی انسان شود. از آن جا که هدف هر دولت در قانون گذاری دستیابی به منافع ملی و حفظ نظم اجتماع و قوام بنیان ها و نهادهای قانونی جامعه خود است، هر دولت فقط در جهت حفظ منافع ملی و نظم روبنایی جامعه خود می کوشد. از سوی دیگر در جهان امروز افزایش ترور، تنش، جنگ و جنایات سازمان یافته ملی و بین المللی حقوق اولیه انسان ها را در جایگاهی آسیب پذیر قرار داده است. به همین دلیل است که در جامعه امروز گفت و گو پیرامون حقوق بشر و میثاق ها و نهادهای بین المللی ناظر بر روند رعایت این حقوق بیش از دیگر ادوار ضرورت یافته است.

دین اسلام به دلیل آن که از نظام حقوقی شاخصی برخوردار است و نیز به این دلیل که در برخی کشورهای اسلامی حقوق و سیاست منبعث از شریعت اسلام است یا اینکه تصویب قوانین مشروط به عدم مخالفت با شریعت است؛ در حیطه مباحث حقوق بشر جایگاهی خاص دارد. اعلامیه جهانی حقوق بشر یکی از دستاوردهای عقل بشری در جهان مدرن بوده و این اعلامیه بر محوریت انسان تنظیم یافته است اما در دین اسلام ساختار حقوق و تکالیف هر فرد بر محوریت تعالی انسان شکل گرفته یا شاید با اندکی اغماض بتوان گفت که حقوق بشر در دین اسلام بر محوریت انسان متعالی تعریف شده است. به عبارت دیگر هیچ دینی نمی تواند حقوق فطری بشر را که ورای دین به او اعطا شده است، از انسان سلب کند، اما اختلاف در شناسایی محدوده حقوق بشر از منظر حقوق عرفی انسان محور و حقوق اسلامی کاملاً مشهود است.

حقوق سیاسی و مدنی آن دسته از حقوق اساسی انسان است که به حیثیت ذاتی او توجه دارد و تمتع از آن ها نیازی به دخالت دولت ندارد و اگر قدرتی مانع آن حقوق نشود، برخورداری از آن ها به حمایت مؤثر

”
حقوق سیاسی و مدنی آن
دسته از حقوق اساسی انسان
است که به حیثیت ذاتی او
توجه دارد

“

و مداوم دولت نیاز ندارد. برخورداری از حقوق مدنی، سیاسی نیاز به حمایت و دخالت دولت ندارد درحالی که برخورداری از حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی محتاج به دخالت و مشارکت فعالانه دولت است. حقوق سیاسی و مدنی به شرح زیر است:

(۱) **حق حیات:** مطابق ماده سوم اعلامیه جهانی حقوق بشر، یکی از حقوق طبیعی بشر، حق حیات است. در فرازهای متعددی از تعالیم اسلامی (مانند آیه ۱۵۱ سوره انعام و آیه ۲۳ سوره مائده) تضمین این حق بشری خود را نمایان می‌سازد. در این دو آیه خدا نفس انسان را صرف نظر از دین و جنسیت و زبان و فرهنگ او دارای حرمت معرفی کرده است.

(۲) **آزادی فطری افراد بشر و مبارزه با بردگی:** مطابق مواد اول و سوم اعلامیه جهانی حقوق بشر همه انسان‌ها آزاد به دنیا می‌آیند و تمام افراد بشر برخوردار از حق آزادی‌اند و مطابق ماده چهارم این اعلامیه تمام اشکال برده‌داری ممنوع است. امام علی (ع) می‌فرمایند: «بنده دیگری مباش که خداوند تو را آزاد آفریده است.» و بدین ترتیب اصل آزادی ذاتی انسان در برابر انسان در اسلام پذیرفته شده است. اما در مورد بردگی و تأیید یا لغو آن می‌دانیم که مطابق نظر مشهور فقها، اسلام بردگی را به طور کامل نفی نکرده است؛ بلکه ضمن اصلاحات و تعدیلاتی در قوانین مربوط به برده‌داری که منجر به ایجاد محدودیت‌هایی برای آزادی بردگان شد، شاکله کلی قوانین برده‌داری را تا حد قابل توجهی به رسمیت شناخت. به عبارت دیگر، هدف اسلام مبارزه گام به گام با بردگی است، همان گونه که در مبارزه با برخی دیگر از ناهنجاری‌ها نیز گام به گام عمل کرده است.

(۳) **لغو شکنجه و رفتار برخلاف شئون بشری:** ماده پنجم اعلامیه هرگونه رفتار و مجازات برخلاف شئون بشری از جمله شکنجه را مردود اعلام می‌کند. در حقوق اسلامی از آن جا که آزادی اراده از شرایط نفوذ اقرار است، شکنجه به منظور اخذ اقرار و اعتراف ممنوع بوده و مجازات توهین‌آمیز نسبت به تمامی مجرمین مردود اعلام شده است. از آنجا که مصالح افراد درگرو مصلحت اجتماع است،

”

اسلام در محیطی مملو از تبعیض‌های اجتماعی ظهور کرد و به صورتی جدی به مبارزه با تبعیض‌ها پرداخت

“

نمی‌توان مصلحت اجتماع را در تنظیم مجازات نادیده گرفت. از شیوه پیشوایان دینی توهین به شخصیت مجرم مشاهده نمی‌شود؛ اما وصف بازدارندگی و صفت تردیلی برخی مجازات به منظور نیل به مصالح اجتماعی، موجب تحقیرآمیز بودن آن‌ها شده است.

(۴) لغو تبعیض: ماده دوم و هفتم اعلامیه همه افراد را صرف نظر از نژاد، رنگ، جنس، زبان و... از تمام حقوق و آزادی‌ها به یک اندازه بهره‌مند می‌داند و به همگان حق می‌دهد که در برابر هر تبعیض که ناقض این تساوی حقوق باشد، تحت حمایت قانون باشند. اسلام که در محیطی مملو از تبعیض‌های اجتماعی ظهور کرد، به صورتی جدی به مبارزه با تبعیض‌ها پرداخت و در آیه ۷۰ سوره اسراء، آیه ۱۳ سوره حجرات و آیه ۲۲ سوره روم تبعیض میان انسان‌ها را به کلی منکر می‌شود.

(۵) حق دادخواهی و رسیدگی به اتهام در دادگاه صالح: این حق از مواد هشتم، نهم و دهم اعلامیه حقوق بشر قابل برداشت است. در تعالیم اسلامی این حق در آیه ۲۶ سوره ص، آیه ۴۲ سوره مائده و آیه ۵۸ سوره نساء آمده و نظام قضایی اسلام عدالت‌محور اعلام شده است. احکام قضایی اسلام ضمن قائل شدن به حق دفاع برای متهم و رعایت اصل تناظر، منع قاضی از تبعیض از کلام و سلام، منع صدور حکم غیابی در حقوق الله، دادرسی عادلانه و حق برخورداری از رسیدگی منصفانه در یک محکمه را تضمین کرده است. از دقت در احکام قضایی اسلام مشخص می‌شود که در این نظام قضایی دادرسی به صورت علنی بوده و مراجع اختصاصی که ریشه در امتیازات طبقه‌ای و صنفی داشته باشد و در نتیجه موجب عدم اطمینان اصحاب دعوی از رای صادره شود، وجود ندارد.

(۶) اصل برائت: فرض بی‌گناهی متهم نسبت به ارتکاب جرم اتهامی که در بند اول ماده ۱۱ اعلامیه ذکر شده، در نظام قضایی اسلام تحت عنوان «اصل برائت» پذیرفته شده است. بنابراین تا قبل از آن که ارتکاب جرم از ناحیه شخصی به اثبات نرسد، آن فرد بی‌گناه محسوب می‌شود.

”

طبق ماده ۱۲ اعلامیه، مداخله در امور خانوادگی، اقامتگاه، مکاتبات و امور خصوصی افراد ممنوع است.

“

۷) اصل قانونی بودن جرم و مجازات: مطابق این اصل هیچ عملی به موجب قانونی که پس از انجام آن عمل تصویب شده است، جرم شناخته نمی‌شود و برای هیچ جرمی اشد مجازات نمی‌توان در نظر گرفت، مگر آن که در زمان ارتکاب جرم این مجازات، قانونی برای آن جرم در نظر گرفته شده باشد. این اصل در بند دوم ماده ۱۱ اعلامیه متجلی شد. اما قاعده «قبح عقاب بلا بیان» از ابتدا در احکام اسلام پذیرفته شده و مطابق این قاعده پیش از آنکه قانون‌گذار مقررات را وضع و به اطلاع مردم نرساند، نمی‌تواند به علت تخلف از آن‌ها کسی را مؤاخذه نکند.

۸) رعایت حریم خصوصی افراد: ماده ۱۲ اعلامیه، مداخله در امور خانوادگی، اقامتگاه، مکاتبات و امور خصوصی افراد را ممنوع می‌کند. در قرآن کریم بنابر آیه ۱۲ سوره حجرات، تجسس از منہیات شمرده شده است.

۹) آزادی انتخاب و ترک اقامتگاه: این حق در موارد ۱۳ و ۱۴ اعلامیه به رسمیت شناخته شده و در اسلام هم در آیه ۵۶ سوره عنکبوت و آیه ۹۷ سوره نساء بر آزادی انتخاب اقامتگاه و مهاجرت به دیگر کشورها از منظر اسلام مشخص شده است.

۱۰) حق تابعیت و تغییر آن: مطابق ماده ۱۵ اعلامیه هر کس دارای حق تابعیت است نمی‌توان فردی را از حق تابعیت یا حق تغییر تابعیت محروم کرد. مرزهای امروزی جهان گرچه مورد تأیید اسلام نیست اما از آن رو که اسلام انتخاب و ترک و تغییر اقامتگاه را حق همگان می‌داند، با استفاده از وحدت ملاک این دو، تغییر تابعیت سیاسی نیز اگر متضمن تغییر تبعیت مذهبی نباشد، مورد مخالف اسلام نیست.

۱۱) آزادی شرکت در مجامع و اتحادیه‌ها: ماده ۲۰ اعلامیه برای جمعیت‌های مسالمت‌آمیز این حق را قائل شده که آزادانه به فعالیت بپردازند. در بند ۴ ماده ۳۲ تشکیل اتحادیه‌های کارگری نیز پیش‌بینی شده است. تشکیل مجامع و جمعیت‌های مستقل که قصد مبارزه با جامعه اسلامی، تعرض به امنیت شخصی و اجتماعی و کینه‌توزی

”

نسبت به مسلمین را نداشته باشند، در سنت پیشوایان دین اسلام با تحدید رو به رو نشده است.

حق آزادی عقیده در قرآن به عنوان یکی از خصوصیت‌های بارز دین اسلام نمایان است.

“

(۱۲) حق شرکت در اداره امور سیاسی کشور: بند اول ماده ۲۱ اعلامیه برای همه شهروندان یک کشور حق شرکت در اداره امور کشور به صورت مستقیم و غیرمستقیم از طریق نمایندگانی که در یک انتخابات آزاد برگزیده شده‌اند را، در نظر می‌گیرد و بند ۳ این ماده اساس حکومت را اراده مردم می‌داند که باید به وسیله انتخابات و از مجرای نمایندگان انتخابی آنان ابراز شود. حکومت اسلامی اگر چه به اراده مردم است که بر پای داشته می‌شود، اما اساس آن اراده الهی حاکم آن منصوب از جانب خداوند و دارای پشتوانه مشروعیت دینی است. نقش مردم در چنین حکومتی اعطای مقبولیت به حکومت است که آن هم نه به وسیله انتخاب که از طریق بیعت متجلی می‌شود. پس بنیان حکومت اسلامی اراده الهی است که به واسطه بیعت مردم بروز می‌یابد.

(۱۳) حق امنیت شخصی و اجتماعی: این حق در مواد ۳ و ۲۲ اعلامیه آمده است. اسلام (در آیه ۱۵۱ سوره انعام) کوشیده است در وهله اول با اندرزهای اخلاقی و تعالیم ارشادی و سپس با وضع مجازات‌هایی چون حدود و قصاص، متجاوزان به این حق اولیه را از زیر پا گزاردن امنیت افراد باز دارد.

(۱۴) حمایت از شرافت و اعتبار افراد: این حق در ماده ۱۲ اعلامیه ذکر شده و در اسلام از اعمالی که شرافت و اعتبار افراد را مورد مخاطره قرار دهد مثل افتراء، قذف و غیبت نهی شده است. در مورد قذف مجازات ثابت وضع شده است و در مورد برخی دیگر قانون‌گذار اسلامی می‌تواند بنابر شرایط مجازات‌های تعزیری تعیین کند.

(۱۵) آزادی ابراز و تغییر عقیده: مواد ۱۸ و ۱۹ اعلامیه آزادی اندیشه و دین را حقی همگانی می‌داند و این حق را قائل می‌شود که هر کس بتواند آزادانه به اظهار دین خود و ابراز مراسم دینی بپردازد و ضمن برخورداری از آزادی بیان دین خود را تغییر دهد. حق آزادی عقیده در قرآن به عنوان یکی از خصوصیت‌های بارز دین اسلام نمایان است. آیه

”
اسلام به عنوان یک دین
بیش از آن که در پی اعطای
آزادی‌های فردی باشد، در پی
تعالی معنوی بشریت است.

“

۲۵۶ سوره بقره، آیه ۹۹ سوره یونس، آیه ۴۵ سوره ق و آیه ۲۹ سوره کهف، بر آزادی تعیین مذهب و منع اکراه در گرایش یا عدم گرایش به مذهب خاصی تأکید شده است. البته آزادی عقیده در اسلام محدود به حدودی است؛ به طوری که تغییر دین از منظر حقوق اسلامی جرم تلقی می‌شود و در صورت وجود شرایط عمومی مسئولیت کیفری کسی که دین خود را تغییر داده است، مستحق مجازات است. اسلام به عنوان یک دین بیش از آن که در پی اعطای آزادی‌های فردی باشد، در پی تعالی معنوی بشریت است. در واقع این آزادی به مثابه وسیله‌ای است برای دستیابی انسان‌ها به اهداف بلندتر و رشد و تکامل معنوی او.

حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی به شرح زیر است:

(۱) **آزادی انتخاب همسر:** بند اول ماده ۱۶ اعلامیه، هرگونه محدودیت از نظر ملیت، تابعیت، مذهب و... را در انتخاب همسر نفی می‌کند. اگرچه از منظر فقه اسلامی، محدودیت‌های ناشی از ملیت، نژاد، فرهنگ، زبان و طبقه اجتماعی در امر ازدواج مانند دیگر امور نفی شده است، اما بنابر حکمت‌هایی مانند حفظ تمامیت دینی و آرامش اعتقادی جامعه، محدودیت‌های ناشی از دین در امر ازدواج به طور قابل توجهی در فقه اسلامی به چشم می‌خورد.

(۲) **تساوی حقوق زن و شوهر:** بند اول ماده ۱۶ اعلامیه زوجین را تمام امور مربوط به ازدواج و انحلال ازدواج دارای حقوق مساوی می‌داند. اما در اسلام از آن جا که تساوی حقوق به صورت موردی مدنظر نمی‌باشد و تناسب مجموعه حقوق و تکالیف به منظور تعالی و رشد معنوی انسان مورد نظر قانون‌گذار بوده است، به تشابه موردی همه حقوق بر نمی‌خوریم.

(۳) **رضایت در ازدواج:** مطابق ماده ۱۶ اعلامیه، ازدواج باید با رضایت کامل و آزادانه همسران واقع شود. در محیط پیدایش اسلام مردان از حق برخوردار بودند. قرآن بنابر آیه ۲۳۲ سوره بقره رضایت در ازدواج را برای زنان نیز که رضایت آن‌ها بیشتر مورد بی‌توجهی و غفلت قرار گرفته، در نظر می‌گیرد.

”

یکی از موارد استفاده مالیات
اسلامی زکات، برآوردن
نیازهای نیازمندان است.

(۴) **جایگاه خانواده:** بند سوم ماده ۱۶ اعلامیه خانواده را رکن طبیعی اجتماع می‌داند و لزوم حمایت از این نهاد را متذکر می‌شود. در آیه ۲۱ سوره روم، آیه ۱۹ و ۲۱ سوره نساء خانواده جایگاهی والا یافته و پیمان‌های خانوادگی را ماندگار و محکم دانسته است.

“

(۵) **حق مالکیت:** در ماده ۱۷ اعلامیه حق مالکیت به رسمیت شناخته شده است. اسلام هم در آیات و روایات متعددی مانند آیه ۳۲ سوره نساء، حق مالکیت افراد را به رسمیت شناخته است. اما در جهت تعدیل ثروت راه‌هایی چون مالیات‌های مختلف را نیز برای نوعی تأمین اجتماعی یاری محرومان و تأمین بودجه عمومی در نظر گرفته است.

(۶) **حق کار در شرایط منصفانه:** مواد ۲۳ و ۲۴ اعلامیه حق کار کردن، آزادی انتخاب کار، شرایط رضایت‌بخش کار، اجرت منصفانه و کافی، حق استراحت و تفریح و محدودیت ساعات کار را پیش‌بینی کرده است. آزادی انتخاب کار و شرایط رضایت‌بخش کاری به عنوان حقی همگانی در متون اسلامی پیش‌بینی شده است.

(۷) **حمایت اجتماعی در دوران بیکاری و از کارافتادگی:** بند اول ماده ۲۳ و ۲۵ اعلامیه افراد را در برابر بیکاری، بیماری، نقص اعضاء، بیوه‌گی، پیری و سایر موجبات از کار افتادگی ذیحق برای حمایت می‌داند. در اندیشه اسلامی حمایت در برابر از کارافتادگی و بیکاری غیراختیاری از محل مالیات‌ها و درآمدهای عمومی حکومت اسلامی است و یکی از موارد استفاده مالیات اسلامی زکات، برآوردن نیازهای نیازمندان است.

(۸) **تساوی کودکان مشروع و نامشروع در برخورداری از حمایت اجتماعی یکسان:** بند دوم ماده ۲۵ اعلامیه متذکر حق مادران و کودکان در برخورداری از مراقبت‌های مخصوص است. در اسلام در مورد برخورداری کودکان مشروع و نامشروع از حمایت اجتماعی یکسان، احکامی که در مورد اطفال نامشروع وجود دارد، شاید توهم نقض این برابری را ایجاد کند؛ اما باید توجه نمود که تفاوت‌هایی نظیر عدم ارث بری که میان کودکان مشروع و نامشروع وجود دارد،

” نوعی محرومیت از حقوق اجتماعی نیست؛ چرا که عدم برخورداری از ارث، محرومیت از حقوق اجتماعی محسوب نمی‌شود. اسلام قضاوت و شهادت را بر اطفال نامشروع ممنوع کرده، حق ولایت و حضانت را از زن و مردی که در اثر رابطه آنان این فرزند به وجود آمده را نفی کرده و حق انفاق و توارث را از او گرفته است. البته واضح است که حمایت اجتماعی از چنین کودکی بر عهده حکومت اسلامی است و حکومت بنابر اصل شخصی بودن مجازات، نباید مجازات گناه دیگران را بر محصول آن گناه جاری کند.

اسلام یک دین است و از دین
نباید انتظار داشت که آن گونه
که جهان سکولار می‌پسندد،
حقوق بشر را بنگارد

“

۹) حق برخورداری از آموزش و پرورش و رشد علمی: ماده ۲۶
اعلامیه برخورداری از آموزش و پرورش را در جهت رشد شخصیت انسانی حقی همگانی می‌داند و برقراری آموزش و پرورش رایگان را در حد تعلیمات ابتدایی خواستار است. همچنین ماده ۲۷ اعلامیه حق شرکت آزاد در زندگی فرهنگی جامعه و بهره‌مندی از پیشرفت‌های فنی و علمی را برای اشخاص بیان می‌دارد. علی (ع) هم در عباراتی که به فرمانروای مکه می‌نویسد، فراهم کردن آموزش و پرورش را از وظایف حکومت می‌داند.

در پایان لازم به یادآوری است که نکات راهگشا و قابل توجه در مطالعه جایگاه حقوق بشر در اسلام، مراجعه به متون اصیل این دین، یعنی قرآن و روایات رسیده از جانب پیامبر و جانشینان اوست. مطالعه رفتار تاریخی فرمانروایان و حاکمان مسلمین و جوامع اسلامی، اگرچه تا حدی ما را با جوانبی از نگاه اسلامی آشنا می‌کند، اما به همان اندازه ما را از جوانبی دیگر از کلیت این دین فاصله می‌دهد. از آن جا که حقوق بشر، حقوق نوع بشر صرف نظر از دین اوست، نکته مهم این است که آیات و روایاتی که صرفاً مبین وظیفه مسلمین در جامعه اسلامی و بیانگر کرامت مؤمنین است، نباید به عنوان مستندات حقوق بشر و کرامت ذاتی بشر از دیدگاه اسلام مورد استناد قرار بگیرد. نباید فراموش کنیم که اسلام یک دین است و از دین نباید انتظار داشت که آن گونه که جهان سکولار می‌پسندد، حقوق بشر را بنگارد، بلکه آن گونه که برای رشد بشر مؤثر می‌بیند، حقوق بشر را تعریف می‌کند.

محجوبه عابدی، مجید وزیری:

اصول مشترک حقوق بشر غربی و حقوق بشر اسلامی از منظر فقه بشر دوستانه بانگاہ به آیات اعتقادی قرآن

حقوق بشر جایگاه مهمی در عصر حاضر پیدا کرده است، هر چند پیشینه موضوع حقوق بشر در امپراتوری‌های گذشته از جمله ایران باستان نیز دیده می‌شود اما این موضوع به طور خاص در عصر مدرن و با وقوع انقلاب فرانسه و بعدها با تأسیس سازمان بین‌المللی از جمله سازمان ملل متحد بر زبان‌ها افتاد. حقوق بشر دارای ابعاد متفاوتی است که مهم‌ترین آن شامل حقوق اقتصادی-اجتماعی، حقوق سیاسی، حقوق فرهنگی و حقوق زیست محیطی است.



شواهد تاریخی نشان می‌دهد که به طور خاص، پدیده حقوق بشر امروزی را باید برآمده از «ایده حقوق طبیعی» در سده هفدهم بدانیم که تا پایان سده هجدهم در قاره آمریکا و فرانسه، به یک آرمان سیاسی مبدل شده بود. می‌توان گفت که حقوق «بین‌المللی بشر» در ژانویه ۱۹۴۱ با پیام موسوم به «چهار آزادی» فرانکلین دلانو روزولت رئیس‌جمهور آمریکا خطاب به کنگره طرح‌ریزی شده و در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ با اعلامیه جهانی حقوق بشر توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد پدید آمد. بنابراین جنگ جهانی دوم و تحولات ناشی از آن و شکل‌گیری جنگ سرد نقش قابل توجهی در مطرح شدن آرمان حقوق بشر داشته است. سازمان‌های بین‌المللی و نهادهای محلی در کشورهای گوناگون برای متحدکردن مردم در برابر تجاوزات جنگی، اعمال خشونت‌آمیز دیکتاتورها و خودسری‌های متجاوزان به حقوق انسان‌ها حامی ایده حقوق بشر شدند. بدین معنا که ساز و کارها، قوانین و اعلامیه‌های آن در دسترس عموم ملت‌ها قرار گرفت و به عنوان ایده‌ای جهان‌شمول مورد پذیرش ملت‌ها و دولت‌ها در سراسر جهان شد.

پذیرش حقوق بشر و تصویب قوانینی در راستای اجرای مفاد آن در سراسر کشورها به معنای پذیرش تمام و کمال آن از سوی کشورهای مختلف نیست، به این دلیل که ایده حقوق بشر، از نظر مکاتب و ایدئولوژی‌های سیاسی مختلف، دارای تفاسیر و تعبیر متفاوتی است و هر یک از نظام‌های سیاسی می‌کوشند تا ایده متناسب با ایدئولوژی خود را بسط دهند. حقوق بشر اسلامی که به طور مشخص برگرفته از فقه اسلامی و منابع دینی از جمله آیات قرآن و روایات است، بر ارزش‌های جهان‌شمول تأکید می‌کند. از این منظر، حقوق بشر اسلامی، بر منابع و نصوص دینی متکی است که برخلاف ایده‌های حقوق بشر غربی، جایگاه خاصی برای معنویت و خدامحوری در نظر می‌گیرد. بنابراین حقوق بشر غربی و حقوق بشر اسلامی، علی‌رغم اصول مشترکی که بین آنان وجود دارد، دارای مبانی متفاوتی هستند که نتایج مختلفی را نیز به بار می‌آورند.

حقوق بشر امروزی که در اعلامیه‌ها و برنامه سازمان‌های جهانی از جمله سازمان ملل متحد دیده می‌شود، آشکارا غربی و مبتنی بر آموزه‌های سکولار و غیرمذهبی است که بیش از همه مورد حمایت

حقوق بشر اسلامی بر ارزش‌های جهان‌شمول تأکید می‌کند

“

کشورهای غربی نیز قرار می‌گیرد. این نکته قابل ذکر است که در زمان تهیه و تدوین اعلامیه جهانی حقوق بشر، هیچ فرد مسلمانی در کمیته تدوین اعلامیه حضور نداشت. به همین دلیل متفکران غربی به صراحت ایده حقوق بشر را ایده‌ای غربی و مطلوب تلقی می‌کنند که عدم پیروی از اصول و قواعد آن به معنای نقض قواعد بین‌المللی به‌شمار می‌رود.

حقوق بشر اسلامی که به طور مشخص برگرفته از فقه و نصوص دینی از جمله قرآن کریم و روایات است، ایده خود را در زمینه حقوق بشر مطرح ساخته است. در این رویکرد ایده‌هایی چون کرامت، عدالت، آزادی، امنیت و... موارد بسیار دیگر که ریشه در تعالیم انبیای الهی داشته است. البته در حوزه مبانی و اصول و حتی برخی مفاهیم مرتبط با حقوق بشر، تفاوت‌هایی میان حقوق بشر در اسلام و حقوق بشر رایج در غرب وجود دارد. نکته قابل توجه این است که این دو نظام حقوقی به صورت مبنایی یک تفاوت بزرگ دارند. مبنای حقوق بشر غربی، حقوق طبیعی یا قراردادی و وضعی است، درحالی‌که مبنای حقوق بشر اسلامی وحی الهی و سنت معصومین (ع) لحاظ شده و به نوعی حقوق اکتشافی از وحی و سنت معصومین در نظر بوده و به طور قطع براساس حقوق طبیعی انسان‌هاست. بنابراین تمام حقوق انسان را باید در پرتو دو نگاه بررسی کرد: یکی جنبه طبیعی او که فرع است؛ دیگری جنبه فطری او که اصل است. پس می‌توانیم حقوق بشر را براساس اندیشه اسلامی این‌گونه تعریف کنیم: حقوقی است برخاسته از طبیعت و فطرت الهی که پاسخگوی استعدادها و تأمین‌کننده نیازهای مادی و معنوی اوست. پس مزیت‌های حقوق بشر اسلامی نسبت به حقوق بشر غربی چیست؟

می‌توانیم این‌گونه بگوییم که حقوق بشر اسلامی در حوزه‌های عدالت بر ابعاد مختلف آن مانند عدالت سیاسی، اقتصادی-اجتماعی و قضایی تأکید می‌کند. در حوزه آزادی برخلاف آزادی مطروحه در حقوق بشر غربی که تنها اندیشه‌های لیبرالی را مستحق رواداری می‌داند، بر عقاید و مذاهب گوناگون به دیده احترام می‌نگرد و بر مبنای اصل «عدم کراهت»، آزادی انسانی را محترم می‌شمارد. همچنین در مسئله کرامت انسانی، حقوق بشر اسلامی نقش مهمی به کرامت فطری و کرامت اکتسابی می‌دهد و بر مبنای کرامت اسلامی از مؤمنان می‌خواهد که به

”

حقوق بشر اسلامی در
زمینه‌های مختلف با توجه
به رویکردهای الهی و دینی
می‌تواند جایگزین مناسبی
برای ایده حقوق بشر غربی
در نظر گرفته شود

“

عنوان «خلیفه الله» نقش سازنده خود را برای سعادت دنیوی و اخروی ایفا نماید. مزیت دیگر این است که به جای تأکید صرف بر حقوق، مسئولیت‌ها را مورد توجه قرار می‌دهد و توصیه می‌کند که بشر، مسئولیت اعمال خویش را برعهده بگیرد. به علاوه بر اینکه در عرصه صلح و امنیت، حقوق بشر اسلامی، نه تنها جنگ را نکوهش می‌کند بلکه در راستای اصل جهاد و مقابله با فتنه‌ها و برقراری حاکمیت حق از مؤمنان می‌خواهد که از ارزش‌های الهی دفاع کنند، ضمن اینکه اصول صلح و سازش نیز به خوبی در آیات قرآنی بیان شده است. بنابراین حقوق بشر اسلامی در زمینه‌های مختلف با توجه به رویکردهای الهی و دینی می‌تواند جایگزین مناسبی برای ایده حقوق بشر غربی در نظر گرفته شود.





حقوق بشر

از دیدگاه اسلام

مریم شهبازی زاده

از آن جا که انسان موجودی اجتماعی است، در اجتماع متولد می شود، زندگی می کند و می میرد، دو جنبه مختلف فردی و اجتماعی دارد. از لحاظ طبیعی، فرد دارای یک سلسله اعضاء و جوارح، غرایز و تمایلاتی است که مجموعاً تشکیل دهنده شخصیت اوست؛ چون این اعضاء و جوارح، غرایز و تمایلات فطری و تکوینی در تمام بشر یکسانند؛ بنابراین، نوع بشر باید به یک سلسله قوانین مشترک و دائمی عمل نماید تا بتواند به رشد معین برسند. از این رو، جوامع انسانی همواره نیازمند قوانینی سودمند است که ناشی از منابع ذاتی و طبیعی انسان باشد و از خلقت و شخصیت انسان سرچشمه بگیرد. روشن است که اطاعت از چنین قانونی که مطابق با فطرت است، واجب است.

”

حقوق بشر یعنی:

نخستین حقی که قرآن برای انسان
برشمرده، حق حیات است

“

حداقل حقوقی که خداوند به انسان از آن جهت که انسان است و فارغ از رنگ، نژاد، زبان، ملیت، جغرافیا، اوضاع و احوال متغیر اجتماعی یا میزان قابلیت و صلاحیت ممتاز و فردی او اعطا کرده است. از مصادیق حقوق بشر در قرآن می‌توانیم حق حیات، آزادی و عدل را نام ببریم. نخستین حقی که قرآن برای انسان برشمرده، حق حیات است که خود دو گونه است: حیات مادی و حیات معنوی. هیچکس مجاز نیست این حق را از دیگران سلب کند. سلب حق حیات مادی؛ یعنی به قتل رساندن فرد و سلب حق حیات معنوی؛ یعنی گمراه کردن دیگران. از دیدگاه قرآن، حق حیات تنها از سوی خدا به انسان بخشیده شده است. دومین حق، حق آزادی است. اساساً بعثت تمام انبیاء در جهت رسیدن انسان به این حق و رهایی از زیر سلطه ستمکاران و ظالمان بوده است. بنابراین، از دیدگاه اسلام، آزادی یعنی رها شدن از بردگی و اطاعت غیر خدا. سومین حق، عدل است. اگر چه این عدل از معانی حسی نیست که دارای نشانه‌های محسوس و ملموس باشد؛ اما این بدان معنا نیست که نتوان عدل را از ظلم تشخیص داد. قرآن کریم نیز همگان را حتی در رأس همه، پیامبر و انبیاء را به عدل دعوت می‌کند و اصولاً فلسفه بعثت آنان را اجرای قسط و عدل معرفی می‌کند. حقوق اسلامی بر خلاف قوانین موضوعه، تنها از عقل و وجدان انسان سرچشمه نمی‌گیرد، سرچشمه قوانین اسلامی، خدای جهان آفرین است. اوست که از مصالح و مفاسد کارها و روابط و پیوستگی‌های امور آگاهی درستی دارد و در زمان قانون‌گذاری، سعادت جامعه را در نظر می‌گیرد، نه منافع شخصی یا گروهی و جانبداری از این و آن. به جرأت می‌توان ادعا کرد که تقریباً تمام آنچه به عنوان حقوق اساسی انسانی در اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است، به گونه کامل در نظام اسلامی مورد توجه قرار گرفته و در بسیاری از موارد به بهترین صورت به اجرا گذاشته شده است. حقوق بشر در اسلام مزایایی دارد که در ادامه به برخی از آنان می‌پردازیم:

(۱) برهان‌پذیری: یکی از برتری‌های نظام حقوق بشر در اسلام، این است که قابلیت برهان‌پذیری دارد. نظام حقوقی برهان‌پذیر، نظامی است که بتوان بر سودمند یا زیان‌بار بودن آن، برهان اقامه کرد. البته

”

حقوق بشر در اسلام به علت پایبندی به اخلاق برترین ضمانت اجرا را به همراه خود دارد

“

برهانی عقلی، نه تجربی. بنابراین، حقوق بشر غیر الهی، برهان پذیر نیست؛ چرا که از مجموعه‌ای قواعد و مقررات اعتباری تشکیل شده که هرگز در امور واقعی و تکوینی ریشه ندارد. پس هرگز نمی‌توان با استدلال آن‌ها را ثابت کرد، چون ممکن است که در جایی و زمانی، پذیرفته شده و در جایی دیگر، پذیرفته نشده نباشد؛ اما حقوق بشر اسلامی، مجموعه‌ای از قوانین با ریشه تکوینی است و واقعیت دارد و نتیجه انتزاع محض نیست؛ بنابراین، قابل اقامه برهان است و از سوی دیگر، برهان آن‌ها عقلی است، نه برهان تجربی. بنابراین، حقوق بشر غیر دینی هرگز از این امتیاز برخوردار نیست و این، یک امتیاز برای حقوق بشر اسلامی محسوب می‌شود.

(۲) برخورداری از ضمانت اجرا: یکی از بارزترین امتیازات حقوق بشر اسلامی، این است که برخلاف دیگر نظام‌های خواهان حقوق بشر، در محدوده کتاب‌ها و مقالات باقی نمی‌ماند و ضمانت اجرای آن به همراهش پیش‌بینی شده است. چرا که ضمانت اجرای هر قاعده حقوقی و قانونی بر دو بنیان استوار است: یکی، ترس از شرمندگی نزد دیگران و دیگری، بیم از کیفر؛ و از اینجا افتخار و امتیاز نظام حقوق بشر در اسلام کاملاً جلوه‌گر می‌نماید؛ چرا که اسلام به انسان مسلمان آموخته که اجرای قانون کاری مطلوب است که تنها با نیت تقرب به خدا صورت می‌گیرد؛ بنابراین، باید همواره به آن وفادار بود، چرا که انسان در صورت قانون‌شکنی، شرمنده درگاه خداوند است. از سوی دیگر، حقوق بشر در اسلام به علت پایبندی به اخلاق برترین ضمانت اجرا را به همراه خود دارد.

(۳) سازگاری و هماهنگی: امتیاز دیگر حقوق بشر در اسلام برخورداری از انسجام و تناسب است. نظام حقوق بشر در اسلام نیز چنین است؛ چرا که از طرف خدا طراحی شده است و هر آنچه برنامه‌اش از طرف خدا ریخته شده باشد، هماهنگی و انسجام دارد؛ درحالی که نظام برگرفته از اندیشه‌ها و خواست‌های متفکران بشری یا دولت و ملت‌ها در طول چند دهه اخیر «اعلامیه‌های حقوق بشر از سوی سازمان ملل»، همواره اختلاف و ناسازگاری درونی دارد. نمونه آشکار آن است که هرگز دارای هماهنگی و یک دستی نبوده است.

” قوانین اسلام که همگی مبنا و منابعش از دستورات الهی گرفته شده است.“

۴) تناسب و دوام؛ ابزار سنجش: از دیگر ویژگی‌های برجسته نظام حقوق بشر در اسلام، این است که با وجود انبوهی از کلیات حقوقی هرگز انسان را بدون ابزار سنجش و تشخیص رها نمی‌کند و آن، ابزار تشخیص حق از باطل است که از دیدگاه اسلام، بهترین ابزار برای سنجش، «خود انسان» است که در مقایسه با دیگران، آنچه برای خود می‌پسندد، برای دیگران نیز روا بدارد و آنچه از دیدگاه خودش ناپسند است، برای دیگران نیز مذموم بشمارد. این معیار، بهترین سنجش حق و باطل حقوقی است.

قوانین اسلام که همگی مبنا و منابعش از دستورات الهی گرفته شده، کامل‌ترین قانون زندگی بشر است که به صورت تمام و کمال، تمامی حقوق بشر در آن لحاظ شده است. به امید روزی که نسیم وجودی منجی عالم، خواب غفلت را از چشمان بی‌خبر مدعیان دروغین حقوق بشر برباید و دنیا پر از عدل و قسط شود. به امید آن روز....



الزامات و راهکارهای ایجاد نهادهای ملی حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران

مبنا و تأسیس نهاد حقوق بشر در نظام حقوقی ایران چیست؟

نهادهای ملی حقوق بشر را چنین تعریف کرده‌اند: مجموعه‌ای که بر اساس قانون اساسی، قانون عادی یا حکم دولت تأسیس می‌شود که وظیفه آن به طور خاص، ارتقاء و حفاظت از حقوق بشر است. حقوق بشر مفهومی تفسیر بردار است که بر سر تعریف آن اجماعی وجود ندارد و از این رو تعاریفی که برای آن ارائه شده، بیشتر حالت دور پیدای می‌کند. شاید به همین دلیل باشد که معمولاً آن را با ویژگی‌هایش تعریف می‌کنند: پاسخ به مطالبات فردی و اجتماعی، بنیادین بودن، متشکل از دامنه متنوعی از قواعد اخلاقی و حقوقی، قابل تحدید در صورت تعارض با امنیت یا منافع دیگران و جهانی بودن. بعضی هم آن را ضمانت اخلاقی نامیده‌اند.



”

حقوق بشر مجموعه‌ای از ارزش‌های گزینش شده و نه همه آن‌هاست که می‌توان آن‌ها را با آنچه معروف می‌دانیم، هم‌ردیف دانست

“

اما مسئله مهم این است که حقوق بشر مجموعه‌ای از ارزش‌های گزینش شده و نه همه آن‌هاست که می‌توان آن‌ها را با آنچه معروف می‌دانیم، هم‌ردیف دانست. این معروف‌ها نه تنها در عرف بین‌المللی شناخته شد، بلکه تعهد به رعایت آن‌ها در قالب کنوانسیون‌های جهانی چون میثاق حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مورد پذیرش بیشتر دولت‌ها قرار گرفت و نقض این حقوق جهان‌شمول به نوعی منکر بدل شد. البته باید توجه داشت که نهادهای ملی حقوق بشر ابزاری برای درونی‌سازی ارزش‌های حقوق بشرند. این ارزش‌های غرب بنیاد فارغ از اینکه ریشه در حقوق طبیعی یا قراردادی داشته باشند، ایستا نیستند و حالت تهاجمی دارند، یعنی با وجود ادعای ریشه در مفهوم کرامت انسانی مدنظر ادیان، نمی‌توانند با برخی ارزش‌های بومی و دینی همزیستی داشته باشند، چنانکه حق تغییر مذهب نوعی تهدید برای بسیاری از ادیان محسوب می‌شود. اما به نظر می‌رسد می‌توان این تهدید را به فرصت تبدیل کرد؛ فرصتی برای معرفی نهاد امر به معروف و نهی از منکر در قالب ابزارهایی که برای افکار عمومی آشناست و نشان دادن برتری‌های انکارناپذیر این هنجارهای الهی بر قواعد بشرساخته. ظاهراً با چنین طرز تفکری بود که جمعی از اندیشمندان مسلمان تلاش کردند تا محتوای اسلام را در قواعد حقوق بشر قرار دهند و مفهوم نو ترکیب «حقوق بشر اسلامی» را ایجاد کنند. در جمهوری اسلامی ایران «کمیسیون حقوق بشر اسلامی» در سال ۱۳۷۳ به ریاست رئیس وقت قوه قضائیه تشکیل شد و اساسنامه آن به تصویب هیئت مؤسس رسید. اهداف این کمیسیون براساس ماده ۵ اساسنامه شامل: تبیین و آموزش حقوق بشر از دیدگاه اسلام، نظارت بر رعایت این حقوق، ارائه راه حل و موضع‌گیری نسبت به نقض حقوق مسلمانان، رسیدگی به موارد نقض حقوق بشر، همکاری با نهادهای ملی و بین‌المللی حقوق بشر و بررسی وضعیت جمهوری اسلامی نسبت به میثاق‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی حقوق بشر می‌باشد. ساختار آن شامل هیئت مؤسس، شورای عالی، رئیس کمیسیون، دبیرخانه، کمیته‌های چهارگانه علمی، زنان، مراقبت و پیگیری داخلی و خارجی است. «ستاد حقوق بشر» هم در سال ۱۳۸۴ به موجب مصوبه شورای عالی امنیت ملی و به منظور پیگیری مسائل حقوق بشر جمهوری اسلامی در سطح داخلی و خارجی ایجاد شد. لکن با توجه به ریاست

”

نهادهای ملی حقوق بشر ابزاری
برای درونی سازی ارزش های
حقوق بشرند.

“

رئیس قوه قضائیه و عضویت مسئولان حکومتی مانند وزرای امور خارجه، دادگستری و کشور و نیز مسئولان قوه قضائیه مانند دادستان کل کشور و رئیس سازمان زندان ها در آن، قابلیت انطباق با شرایط اصول پاریس را به لحاظ مردمی بودن ندارد. اصول پاریس بر سه موضوع تمرکز دارد: صلاحیت و پاسخگویی نهادهای ملی، ترکیب نهاد ملی و تضمین استقلال و متکثر بودن آن و شیوه اجرای وظایفشان از جمله همکاری با جامعه مدنی.

از آن جا که رعایت حقوق بشر در جامعه اسلامی از مصادیق «معروف» و نقض این حقوق «منکر» است، اصل ۸ قانون اساسی و اعلامیه حقوق بشر اسلامی مبنای شرعی و قانونی لازم را برای تأسیس نهاد ملی حقوق بشر در کشور پیش روی قرار می دهد. از سوی دیگر با وجود نهادهای داخلی دارای کار ویژه مشابه با نهاد ملی در کشور و نیز رویه های متعدد سایر کشورها در ایجاد کمیسیون حقوق بشر، از آن جا که جمهوری اسلامی ایران متعهد به رعایت شرایط مندرج در اصول اعلامیه پاریس به ویژه تشکیل نهاد ملی از طریق قانون یا فرمان حکومتی و همزمان دارا بودن ترکیب مردمی و استقلال مالی شده است، از این رو نهادهای موجود تکافوی این الزامات را نمی کنند و اصلاح قوانین ذی ربط یا تشکیل سازمانی جدید ضروری به نظر می رسد. مسئولان باید در پی طراحی نهادی منطبق با فرهنگ کشورمان باشند که می تواند به فرصتی برای ایجاد نهاد ملی حقوق بشر و امر به معروف و نهی از منکر تبدیل شود که علاوه بر حق الناس، حق الله را نیز تضمین کند و علاوه بر اثرگذاری داخلی، الگویی برای سایر کشورهای مسلمان و قدمی برای اجرایی شدن اعلامیه حقوق بشر اسلامی باشد.

علی محمد فلاح زاده، سید طه موسوی:

حقوق بشر اسلامی در مقایسه با حقوق بشر غربی: جهان شمولی یا نسبی گرایه؟



حقوق بشر اسلامی و حقوق بشر غربی که هر دو حمایت از بشریت و سعادت او را وجهه همت خود قرار دادند، از منظر جهان شمولی و نسبی گرایی حقوق بشر، موضع یکسانی دارند؟

جهان شمولی حقوق بشر مبتنی بر این برداشت است که نظر به فطرت و ذات یگانه انسان‌ها، حقوق انسانی آن‌ها در هر نقطه از جهان و تحت سیطره هر فرهنگی باید یکسان باشد. مبنای جهان شمولی خواه در

”

نسبی‌گرایی حقوق بشر مبتنی بر آن است که حقیقت امری نسبی و وابسته به زمان و مکان است.

“

حقوق طبیعی، خواه در ادیان و خواه در حقوق بین‌الملل معاصر کرامت و حیثیت انسانی بوده و از این جهت، برداشت غالب از این مفهوم، «مطلق‌انگاری» است. وضع قواعد اسلامی نیز جدای از جهان‌بینی فلسفی اسلام نبوده و اعتقاد به این جهان‌بینی منجر به امکان وضع قواعد ثابت، فرامکانی و فرازمانی می‌شود. به منظور دستیابی به چنین قواعدی در وضع آن‌ها ویژگی‌هایی مدنظر قرار گرفته است. از جمله این ویژگی‌ها آن است که قواعد اسلامی به شکل زندگی که وابستگی تامی به میزان دانش بشر دارد، نپرداخته است، بلکه مربوط به روح و هدف زندگی بوده و بهترین راهی است که بشر برای نیل به آن هدف‌ها پیش گیرد. درست به همین دلیل است که نظام حقوقی اسلام و حقوق بشر اسلامی در عین جهان‌شمول بودن با فرهنگ‌های مختلف قابل جمع بوده و از سوی اقوام متعددی پذیرفته شده است. نسبی‌گرایی حقوق بشر مبتنی بر آن است که حقیقت امری نسبی و وابسته به زمان و مکان است. واقعیت موجود در جهان معاصر که حاکی از ادیان و مذاهب، فرهنگ‌ها و قومیت متفاوتی است، اندیشه نسبیت را معطوف به خود کرده و نظریه نسبی‌گرایی فرهنگی حقوق بشر را دامن زده است.

رهیافت جهان‌شمولی حقوق بشری مشتمل بر دو رکن است: نخست آن که هر انسان محترم، مقدس و غیرقابل تعرض است و دوم آن که به سبب محترم بودن هر انسانی، امور معینی نباید در مورد هیچ انسانی روا داشته شود و امور معین دیگری باید در مورد هر انسانی رعایت شود. نسبی‌گرایی حقوق بشر هر دو این ارکان را به چالش می‌کشد. چالش موجود در خصوص رکن اول به ادعای محترم بودن هر انسانی معترض است چرا که پس از مرگ محترم بودن نمی‌تواند مسلم باشد. چالش دیگر که معطوف به رکن دوم است، چه هر انسانی محترم باشد یا نه، هیچ چیزی وجود ندارد که نباید در مورد هیچ انسانی روا داشته شود و هیچ چیزی وجود ندارد که باید در مورد هر انسانی رعایت شود. لذا در اندیشه نسبیت حقوق بشر هیچ حقی و هیچ باید و نبایدی جهان‌شمول نیست. به عبارت دیگر در رهیافت نسبی‌گرایانه، هیچ ارزشی جنبه اطلاق نداشته و مقید به شرایط، زمان یا مکان ویژه‌ای است. دولت‌های اسلامی در مواجهه با تنافی برخی حقوق مندرج در اسناد بین‌المللی حقوق بشر که ملهم از اندیشه و تمدن غربی است، با

”
نسبی‌گرایی موجود در رویه
دولت‌های اسلامی اصالت
نداشته و معطوف به ارزش‌های
غالب نظام بین‌المللی حقوق
بشر است

“

تأسی به لزوم پاسداشت فرهنگ اسلامی، در خط مشی و رویه اتخاذی خود به رویکرد نسبی‌گرایی حقوق بشر متوسل شده‌اند. البته مراد دولت‌های اسلامی از نسبی‌گرایی حقوق بشر، نسبیت حقوقی است که در مواردی با فرهنگ و پیشینه عقیدتی غربی ممزوج شده و به سبب دارا بودن رنگ و لعاب یک فرهنگ خاص، قابلیت جهان‌شمولی را از دست داده است. این امر منافاتی ندارد با آن که بخشی از حقوق بشر موجود که صبغه فرهنگ غربی را ندارد و به فطرت انسانی متکی است، به عنوان اصل و قواعدی جهان‌شمول پذیرفته شود. بی‌تردید چنانچه به جای موازین غربی حقوق بشر، موازین اسلامی حقوق بشر حاکم بر مناسبات بین‌المللی بود، رویه دولت‌های اسلامی به سوی جهان‌شمولی تغییر مسیر داده و در تطابق با نظریه قرار می‌گرفت. لذا نسبی‌گرایی موجود در رویه دولت‌های اسلامی اصالت نداشته و معطوف به ارزش‌های غالب نظام بین‌المللی حقوق بشر است.



”

حقوق بشر غربی رویکرد جهان‌شمول به حقوق بشر اتخاذ می‌کند

“

در جهان‌بینی اسلامی مسائل و اصول حقوق بشر را به دو دلیل می‌توان از سایر قواعد حقوقی متمایز کرد. نخست آن که بسیاری از قواعد حقوق بشر ریشه در مسائل فلسفی داشته و از مقوله بایدها فراتر است و مرتبط با مقوله «هست»‌هاست. دیگر آن که قواعد حقوق بشر از قوانین اولیه‌ای هستند که در علم حقوق بین‌الملل معمولاً به آن‌ها «اصول» گفته شده و در فقه به «قواعد فقهی» تعبیر می‌شوند. تصویب و امضای حقوق بشر به آن معنا نیست که قواعد آن برخاسته از قرارداد اجتماعی است. لکن در جهان‌بینی حقوق بشر غربی وضعیت متفاوت است: رهیافت غالب معاصر در حقوق بشر غربی تأثر از پوزیتیویسم بر این عقیده است که حقوق بشر ارزش و اعتبار خود را از آنچه که هست و از طبیعت و فطرت نمی‌گیرد؛ بلکه حقوق مزبور ناشی از قرارداد اجتماعی و مبتنی بر اراده انسان است. به عبارت دیگر در چنین رهیافتی محتوای حقوق بشر را توافق انسان‌ها در جامعه تعیین می‌کند. چنین باوری ایجاب می‌کند که هر جامعه‌ای بتواند حسب اراده و توافق اعضا، حقوق بشری مختص به خود وضع کند. این نگرش در نهایت به نسبیت می‌انجامد؛ اما جالب است که جهان‌بینی حقوق بشر غربی رویکرد جهان‌شمول به حقوق بشر اتخاذ می‌کند. در شرایطی که جز تعاملی صوری میان اسلام و حقوق بشر وجود ندارد، سخن از جهان‌شمولی حقوق بشر یا نسبی‌گرایی آن، جایگاهی ویژه می‌یابد. با ملاحظه متن اسلام و تعبیری چون «یا ایها الناس» و «فطره الله» که به کرات در نصوص اسلامی قابل مشاهده است، حقوق بشر اسلامی را همانند دیگر مقررات این شریعت آسمانی باید مقرراتی جهان‌شمول تلقی کرد.

قاسم حسنی، فرامرز صفری:

بررسی و تحلیل دلایل تهاجم و شکست منافقین در عملیات فروغ جاویدان و دستاوردهای عملیات مرصاد



سال‌های پایانی دوران دفاع مقدس شرایط و ویژگی‌های خاصی داشت. در حالی که عراق با باز پس‌گیری اغلب مناطقی که طی سال‌های گذشته از دست داده بود، می‌رفت تا با اقدامات بعدی صحنه نبرد را بیش از پیش به نفع خود تغییر دهد، پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل از سوی ایران در تاریخ ۱۳۶۷/۴/۲۷ موجب شد تا ارتش عراق در اقدامی شتاب زده، در تاریخ ۱۳۶۷/۴/۳۱ منطقه خوزستان را بار دیگر مورد هجوم گسترده قرار داده و تا جاده اهواز - خوزستان پیشروی کند و خرمشهر را نیز در معرض تهدید قرار دهد. این تهاجم عراق با مقاومت شدید رزمندگان اسلام خنثی و ارتش عراق تا مرز به عقب رانده شد. به این ترتیب، دشمن در حالی که از تصرف خوزستان ناامید شده بود، با همکاری و حمایت سازمان مجاهدین خلق (منافقین) تهاجم دیگری با نام «فروغ جاویدان» را در تاریخ ۱۳۶۷/۵/۳ از طریق مرز کرمانشاه آغاز کرده و در حالی که اغلب یگان‌های ایران در جبهه جنوب مستقر بودند، تا تنگه چهارزبر (بین اسلام آباد و کرمانشاه) پیشروی کردند. این بار عراق از ورود مستقیم نیروهایش در نبرد و حرکت نیروی زمینی خودش به عمق خاک ایران خودداری کرد و تنها در همان ابتدای شروع عملیات و عبور نیروهای منافقین از مرز تا سرپل ذهاب آن‌ها را همراهی کرد و سپس با آتش پشتیبانی از طریق نیروی هوایی، نیروهای منافقین را حمایت کرد. در پی این حرکت دشمن، قوای خودی به سرعت وارد عمل شده و با انجام عملیات موسوم به «مرصاد» به مقابله با منافقین برخاستند. این تحرکات و اقدامات کشور عراق در مقطع پایانی جنگ و دلایل تصمیم برای انجام تهاجم به جمهوری اسلامی ایران توسط سازمان منافقین با همکاری عراق و عوامل مؤثر بر شکست و ناکامی آنان و دستاوردهای عملیات مرصاد، از سلسله درس‌های گران‌بهای هشت سال مجاهدت رزمندگان و ملت غیرتمند و رهبر بزرگ ایران است. دلایل انجام عملیات، ناکامی و شکست در آن، در ادامه بررسی می‌شود.

دلایل انجام عملیات «فروغ جاویدان» را می‌توانیم به سه دسته تقسیم کنیم:

(۱) عوامل مؤثر در داخل ایران:

الف) اوضاع نابسامان جبهه‌های جنگ و کاهش توان نظامی ایران در اثر تحریم‌ها و مشکلات ناشی از ۸ سال جنگ با تمام استکبار و عوامل آن‌ها.

ب) انزوای سیاسی ایران با دسیسه‌های مختلف استکبار. پ) شرایط نابسامان اقتصادی کشور (تأمین لجستیک جنگ برای دولت مشکل شده بود).

ت) اثرات روانی جنگ شهرها (حملات موشکی، انهدام سکوه‌های نفتی، شایعه حمله شیمیایی به شهرها، اقدامات مداخله جویانه آمریکا و حمله

”

هوانیروز جمهوری اسلامی
ایران نیز بیشترین تأثیر را
در انهدام و شکست لشکر
منافقین در عملیات مرصاد ایفا

کرد

“

به هواپیمای ایرباس و...).

ث) پذیرش قطعنامه ۵۹۸ توسط ایران و برداشت اشتباه رهبران
سازمان منافقین از شرایط پذیرش قطعنامه از طرف ایران.
ج) حضور تأثیرگذار افراد وابسته به شوروی در سازمان منافقین.

۲) عوامل مؤثر درون سازمان منافقین:

الف) نگرانی از آینده سیاسی و اینکه ممکن است مورد معامله قرار گیرند
شخصیت روانی مسعود رجوی بر مبنای خود بزرگبینی مفرط بود.
ب) ایجاد انگیزه در نیروها جهت بقا و خلاص شدن از دست نیروهای
منتقد به سیاست رهبران. پ) چراغ سبز نشان دادن شوروی برای
باج گیری از آمریکا از مسئله قطعنامه.

۳) شرایط جهانی و بین المللی:

الف) اجماع نظام بین المللی برای اعمال فشار بر ایران به منظور پذیرش
قطعنامه و پایان بخشیدن به جنگ.
ب) مقابله مستقیم آمریکا با ایران.
پ) افزایش فشارهای بین المللی بر ایران در ابعاد سیاسی، اقتصادی و
نظامی.

ناکامی در عملیات فروغ جاویدان هم دلایل مختلفی دارد. دلیل نخست،
توانمندی ها و قابلیت های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است که سازمان
منافقین علی رغم تلاش های زیاد برای کسب اطلاعات، درک و شناخت
مناسبی از قابلیت ها و توانمندی های سازمان سپاه پاسداران کسب
نکردند. دلیل دیگر، حضور نیروهای داوطلب مردمی در این شرایط بود.
مراجعه و حضور مردم داوطلب به حدی اعلام شد که گنجایش و توان
کافی برای سازماندهی و اعزام آنها به یگان های عملیاتی وجود نداشت.
هوانیروز جمهوری اسلامی ایران نیز بیشترین تأثیر را در انهدام و شکست
لشکر منافقین در عملیات مرصاد ایفا کرد و کارنامه درخشان خود را
از همان ابتدای جنگ با رشادت ها و دلاوری های شهیدان شیرودی و
کشوری در جبهه های غرب (قصر شیرین و سرپل ذهاب) به همگان
نشان داد. فرصت طلبی و نبود بینش قوی و شخصیتی رهبری سازمان
منافقین در ناکامی شان تأثیرگذار بود.

”

از دلایل شکست عملیات فروغ
جاویدان، میزان مشروعیت
نظام و مقبولیت امام در میان
ملت ایران بود

“

- و در نهایت علل شکست عملیات فروغ جاویدان عبارتند از:
- (۱) پیامدهای مثبت پذیرش قطعنامه ۵۹۸ در نظام بین‌الملل
 - (۲) برآورد غلط سازمان از توان رزمی سپاه و نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران
 - (۳) فقدان استراتژی و ناهماهنگی عوامل تاکتیکی سازمان در رسیدن به تهران
 - (۴) تطبیق تصمیم ایران با خواست نظام بین‌الملل
 - (۵) میزان مشروعیت نظام و مقبولیت امام در میان ملت ایران
 - (۶) توان قابل انعطاف سپاه و بسیج
 - (۷) حمایت‌های ملت ایران از ارزش‌های اسلام و انقلاب
 - (۸) شرایط نظام بین‌الملل
 - (۹) ضعف در برآورد اطلاعاتی توان هوایی و هوانیروز جمهوری اسلامی ایران
 - (۱۰) ضعف هماهنگی در پشتیبانی نیروی هوایی عراق و عدم هماهنگی مناسب میان آن‌ها.



مراحل عملیات مرصاد:

۱۳۶۷/۴/۲۷ پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از طرف ایران

۱۳۶۷/۴/۳۱ حمله مجدد ارتش عراق به خاک ج.ا.ا از منطقه جنوب به سمت خرمشهر و اهواز
تجدید قوای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و هجوم مجدد مردم برای اعزام به جبهه‌ها

۱۳۶۷/۴/۳۱ (واکنش سازمان مجاهدین درمورد پذیرش قطعنامه توسط ایران):
برگزاری نشست مسعود رجوی، رهبر سازمان مجاهدین خلق با اعضاء سه روز قبل از شروع عملیات «فروغ جاویدان» در عصر روز جمعه

۱۳۶۷/۵/۱ توجیه فرمانده گردان‌ها، سرگروه‌ها و فرماندهان دسته با آرایش ستون و مکانیزم عملیات

۱۳۶۷/۵/۳ اعلام رسمی عقب‌نشینی رژیم عراق از جبهه‌های جنوب و میانی و
غرب کشور
- آغاز عملیات مشترک عراق و سازمان مجاهدین خلق (بلافاصله)

۱۳۶۷/۵/۳ حرکت ستون ارتش آزادی‌بخش مجاهدین خلق پس از فراهم کردن مقدمات جنگ و
تصرف شهر اسلام آباد
- همزمان با شروع عملیات «فروغ جاویدان»، ارتش عراق اقدام به حمله گسترده‌ای
در منطقه جنوب با تظاهر به قصد تصرف خرمشهر انجام داد
- بمباران کردن اسلام آباد توسط سازمان مجاهدین خلق
- بمباران کردن پاتاق توسط عراق
- مجاهدین خلق پس از بمباران های شدید اسلام آباد، راهی کرمانشاه شدند
- در ۳۰ کیلومتری کرمانشاه در گردنه «چارزیر» که بعدها به تنگه مرصاد معروف شد
با مقاومت رزمندگان مواجه شده و متوقف شدند
- به عهده گرفتن فرماندهی هوانیروز توسط صیاد شیرازی
- درگیری ایران با مجاهدین در تنگه مرصاد و کشته شدن ۱۵۰۰ نفر از مجاهدین
- ادامه جنگ و گریز ایران و مجاهدین تا «پل ماهی» در نزدیکی سرپل ذهاب
- انفجار پل ماهی توسط اعضای سازمان و ورود همزمان هواپیماهای عراق و بمباران
وسیع رزمندگان ایرانی

۱۳۶۷/۵/۴

خروج ستون نیروهای سازمان از اسلام آباد
- آزادسازی شهر اسلام آباد و پیشروی یگان‌های سپاه
به سوی «کرنند»
- حملات هواپیماها و هوانیروز باختران بر روی ستون
سازمان مجاهدین
- توقف کامل ستون سازمان مجاهدین

۱۳۶۷/۵/۴

سرکوب نیروهای سازمان مجاهدین توسط نیروهای
جمهوری اسلامی از طرف پادگان الله اکبر به قصد قطع
ارتباط میان نیروهای ارتش آزادی بخش در اسلام آباد
و کرنند در ظاهر

۱۳۶۷/۵/۵

پایان درگیری در تنگه چهارزبر با عقب‌نشینی
نیروهای ارتش آزادی بخش

۱۳۶۷/۵/۶

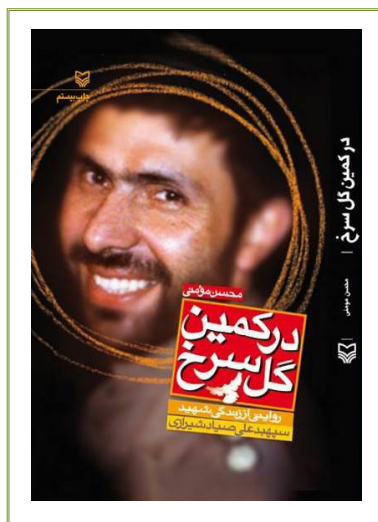
مورد حمله قرار گرفتن نیروهای در حال فرار ارتش
آزادی بخش

۱۳۶۷/۵/۸

شکست کامل نیروهای مجاهدین و بسته شدن
پرونده عملیات مرصاد و پاکسازی روستاهای اطراف
شهر اسلام آباد و کرنند و ارتفاعات مجاور



مجموعه کتاب‌هایی که در زمینه عملیات مرصاد منتشر شده‌اند



کتاب «در کمین گل سرخ»

کتاب «در کمین گل سرخ»، زندگی‌نامه داستانی شهید سپهبد علی صیاد شیرازی، به قلم محسن مؤمنی شریف است که به‌تازگی به تقریظ مقام معظم رهبری درآمده و توسط انتشارات سوره مهر بیش از ۲۲ بار تجدید چاپ شده است.

متن تقریظ رهبر انقلاب اسلامی بر این کتاب بدین شرح است:
این نمونه جالب و بی‌سابقه‌ای است از گزارش جنگ در ضمن داستان شیرین زندگی یکی از شخصیت‌های آن. آن را یکسره مطالعه کردم (تا ۸۴/۶/۷) زیبا و هنرمندانه نوشته شده است. با بسیاری از حوادث آن کاملاً آشنایم. البته بسیاری دیگر از حوادث آن دوران و نیز مطالب بسیاری از آنچه مربوط به این شهید عزیز است ناگفته مانده است و این طبیعی است. البته برجستگی‌های شخصیت شهید صیاد شیرازی را در نوشته و کتاب به درستی نمی‌توان نشان داد او حقاً نمونه‌ای از یک ارتشی مؤمن و شجاع و فداکار بود. رحمت خدا بر او.

◀ در قسمتی از کتاب آمده است:

سروان چشم گرداند و در نزدیکشان آلونکی دید که جلوش پیرمرد و پیرزنی ایستاده بودند و آنان را تماشا می‌کردند. رفت به سویشان. سلام

گفت اما علیکی نشنید. فهمید آنان ترسیده‌اند. کوشید آرامشان کند. گفت: «پدرجان، ما با شما کاری نداریم. اصلاً به خاطر امنیت شما به این جا آمده‌ایم.»

بعد پرسید: «شما می‌دانید دمکرات‌ها کجا مهماتشان را مخفی کرده‌اند؟» اما آنها لب از لب باز نکردند. سروان دستش را برای پسرک هفت-هشت ساله‌ای دراز کرد که خودش را به پیرزن چسبانده بود. ناگهان تیری از بغل‌گوشش گذشت و علی خودش را به زمین انداخت. «تا این لحظه زندگی، این اولین گلوله‌ای بود که آن‌طور از کنارم عبور کرده بود. بلافاصله متوجه شدم که توی تله افتاده‌ایم. اطراف ما را ارتفاعات احاطه کرده بود و نقطه‌ای که ما ایستاده بودیم تقریباً قعر دره بود. اگر چه دره خیلی هم تنگ نبود، ولی کاملاً در محاصره بودیم. همان لحظه فکری به ذهنم رسید و به همراهان گفتم: باید در جهت مخالف صدای گلوله از یال مقابل بالا برویم.»

این کتاب با شمارگان ۲۵۰۰ نسخه، در ۳۸۴ صفحه و با قطع رقعی توسط انتشارات سوره مهر منتشر شده است.

کتاب «درخت بلوط»

کتاب «درخت بلوط» نوشته حجت شاه محمدی، خاطره‌ای از یک خلبان هوانیروز است که به همراه دوست خود در عملیات مرصاد شرکت میکند. اما در حین عملیات به دلیل نقص فنی هلی‌کوپترشان مجبور می‌شوند بالای درخت بلوطی پنهان شوند تا بچه‌های خودی پیدایشان کنند.

خلاصه‌ای از خاطرات یک خلبان در جنگ ایران و عراق که با بیانی ساده و گیرا روایت شده است.



◀ در قسمتی از کتاب آمده است:

در همین لحظه از شنیدن حرف یکی از منافقین کم مانده بود قلبم از حرکت بایستد. او با صدای زوزه مانند، رفقاییش را خطاب قرار داد و گفت: بچه‌ها بیایید! اینجا چند جای پا هست.

به خاطر بی احتیاطی خودم را سرزنش کردم. در آن لحظه به خاطرم نرسیده بود که جای پاهایمان را در اطراف هلی‌کوپتر از روی زمین

پاک کنیم.

سید باصدایی لرزان گفت: دیدی رضا، بالاخره گیر افتادیم. آن ها جای پای ما را پیدا کردند.

به آرامی گفتم: انقدر نفوس بد نزن ببینم چطور می شود...

این کتاب با شمارگان ۱۲۵۰ نسخه، در ۸۰ صفحه و با قطع رقعی توسط انتشارات سوره مهر منتشر شده است.

کتاب «اشغال و مدال»

کتاب «اشغال و مدال» نوشته صبار اللامی و سروان ستار سعد، درباره حوادث جنگ دوم خلیج فارس است که توسط دو افسر عراقی به صورت بیان خاطره و به زبان عربی نوشته شده است.

این کتاب در دو بخش و ۶ فصل تدوین شده است. بخش اول کتاب درباره عملیات مرصاد است که توسط سروان ستار السعد نوشته شده است. این افسر عراقی در عملیات مرصاد، از نزدیک شاهد جنایات منافقین در حق مردم مسلمان منطقه گیلان غرب و اسلام آباد و همچنین دفاع مردمی و جانانه توده های و مردم شهرها و روستاهای اسلام آباد و مردم شهرها و روستاهای ایران اسلامی بوده است. بخش دوم کتاب درباره حوادث اشغال کویت و زمینه های قبلی آن است که توسط سرهنگ ستاد صبار اللامی نوشته شده است. این سرهنگ عراقی از ابتدای عملیات اشغال کویت توسط نیروهای عراقی تا زمان آزادسازی این کشور به دست نیروهای متحدین در کویت حضور داشته است.



◀ در قسمتی از کتاب آمده است:

زمان خداحافظی فرا می رسد. در میان راه تا فرودگاه، صدام به امیر کویت می گوید: «ما می خواهیم یک خط لوله نفتی از طریق خاک شما به عربستان بکشیم، در صورتی که شما موافقت کنید، در طول مسیر این خط لوله در خاک شما، مدرسه، خانه، بیمارستان و تفریحگاه بسازیم.» امیر کویت این خواسته را نمی پذیرد و می گوید: «من با این پیشنهاد موافق نیستم، زیرا این کار مانند اشغال سرزمین دیگران است، قبول دارید یا نه!» صدام سکوت می کند و مدتی این وضعیت ادامه

می‌یابد. هنگامی که اتومبیل به فرودگاه رسید، هر دو نفر از آن پیاده شدند. امیر کویت به صدام گفت: «دیدار شما با خانواده از کویت، باعث سرور ما خواهد شد، مردم کویت مشتاق دیدار شما هستند.» صدام به او جوابی داد که این جواب تا زمانی که تانک‌های عراقی به قصر امیر کویت رسیدند، مبهم باقی ماند! صدام در جواب به امیر کویت گفته بود: «سلام مرا به مردم کویت برسان. به زودی به دیدار آن‌ها خواهم آمد، اما به شیوه خاص خودم!»

این کتاب با شمارگان ۲۵۰۰ نسخه، در ۱۹۵ صفحه و با قطع رقعی توسط انتشارات سوره مهر منتشر شده است.

کتاب «عصرهای کریسکان»

کتاب «عصرهای کریسکان» نوشته کیانوش گلزار راغب، به روایت خاطرات امیر سعیدزاده یکی از رزمندگان جنگ تحمیلی پرداخته و از این طریق سرنوشت غم انگیز او و عمق فجایع ضد انقلاب دموکرات و کومله را روایت می‌کند.

◀ در قسمتی از کتاب آمده است:

خبرنگار ترکیه‌ای با اتیکت عایشه به طرفم می‌آید و می‌گوید: مگه تا حالا کسی رو هم اعدام کردن؟ دستم را به طرف گورستان کریسکان دراز می‌کنم و می‌گویم: اگه می‌خواین واقعیت رو بفهمین، برین داخل دره کریسکان و قبر رو بکنین و از اعدامیا فیلم بگیرین. محمد حسن زاده هرچه تلاش می‌کند صحبت‌هایم را بفهمد و جور دیگری برای عایشه ترجمه کند، او مانعش می‌شود و می‌گوید: خودم می‌فهمم. فیلم این خبرنگار ترکیه‌ای به دست دبیر کل حزب دموکرات می‌رسد و می‌گوید: «به این پدرسوخته بگین هجده ماهه اینجایی هنوز نمی‌دانی جرمت چیه. آن قدر نگهت می‌دارن تا بفهمی جرمت چیه». از آن تاریخ به بعد دیگر هیچ خبرنگار و فیلمبردار به زندان راه ندادند.

این کتاب با شمارگان ۲۵۰۰ نسخه، در ۲۸۰ صفحه و با قطع رقعی توسط انتشارات سوره مهر منتشر شده است.

